

## عدالت و نیکو کاری

لونس فیلسوف چینی قرن پنجم پیش از میلاد میگفت : « پاداش نیکی و بدی نیکیت »  
و با سروی کنفوسیوس می گفت : « باید نیکی را به نیکی پاداش داد و بدی را بدالت » .

در اینکه پاداش نیکو کاری نیک است ، هر دو فیلسوف نظرشان یکی است ، اختلاف بر سر کارهای زشت و ناپسند است ! فیلسوف نخست معتقد است که پاداش بدی را به نیکی باید داد و فیلسوف دومی معتقد است که بدالت .

اکنون ببینیم مصالح زندگی فردی و اجتماعی ، کدامیک از این دو نظر را تأیید میکنند .  
جووان باخیر سوری قتل اقدام میکنند و بی گناهی را بجا کھلاک میافکنند ؛ این جوان دارای پدر و مادری پیر و کودکانی صغیر است ؛ اگر دوباره این جوان عدالت احراء شود و کیفر برسد پدر و مادر پر واطفال صغیرش بی سرپرست شده و وضع زندگی آنان محنت و پریشان می گردد و اگر بخاطر سنگناش مورد عیب و اوجاسان قرار گیرد و از اجرائی کیفر چشم پوشی گردد راه آدمکش بی روی دیگران را می گردد و هر کسی بدون ترس ، بخونریزی اقدام می کند ، آیا در اینجا باید عدالت کرد یا احسان و نیکو کاری ؟

دزدی که به مال مردم دست درازی میکند و یا این عمل جاثقانہ خود ، سلب امنیت و آسایش از جامعه می کند کیفری که اسلام برایش مقرر کرده ، قطع دست اوست ، ولی آیا این کیفر بخاطر آنکه آیت : « این دزد و خاواده اش نیست ؟ و آیا نباید بخاطر رعایت آسایش او و خاواده اش ، از اجرائی عدالت چشم پوشی و با احسان و نیکو کاری با او رفتار کرد ؟

قرآن کریم بدالت و نیکو کاری فرمان میدهد ( ۱ ) و هر دورا با هم پیشنهاد ودالت می کند که تنها عدالت با آنها نیکو کاری ، هیچکدام وسیلہ آسایش نیست و جامعه عکاسی خوشبخت میگردد که از نعمت عدالت و نیکو کاری برخوردار شود .

يك عيب بز رومك

بدبختانه يكي از عيبيهاى ما اين است كه در موارد لزوم اجراء عدالت و رحم و شفقت بر ما غلبه ميكند و اين روش سبب شده كه اصلاحات اجتماعى مامتوقف ماند و مفاسد در روز افزون بر سر ما سايه افكند .

اجتماع همواره بآدابى نياز مند است كه عدالت را مومو اجراء كنند و نسبت بمتخلفين از قوانين و مناجوزين بمحقق ملت كمترين رحم و كوچكترين عفو بد بشر گيرند .

اين روش اگر چه سبب نارضايتى عداى ميگردد ولي آسايش اكثريت افراد مملكت تامين و راه خوشبختى بروى همه باز خواهد شد .

برخى از مردم تصور ميكنند كه با كدامن و دولينه شناس كسى است كه آزارش بكس نرسد و جرائم و تخلفات را ماداميكه در حق دزدان ؛ رشوه خواران و متخلفان رحم كند ولي اين عقیده در پيشگاه خرد محكوم و چنين شخصى بز رنگرين مجرم است ؛ زيرا يكي رحم و بپوران نفر ستم نموده است .

آمد گارم ربانى كه پشاكردان سره رفاقي ميدهد وفايى دلشوى كه بازيه را كذا دهن مقررات قضائى بچنانيكاران بديده عفو و اغماض مينگرد و رئيس و وزيرى كه بصورتاثير عواطف خود از هر جرم و خطائى چشم پوشى ميكنند ؛ از نا با كترين مردم جهان هستند .

مادري كه درباره فرزند جوان خویش رحم ميکند و او را از مشري كه بخير و صلاح اوست باز ميدارد ؛ يا از پوشیدن لباس جنگه و دفاع از حيثيت و شرافت و استقلال وطن منع ميکند ؛ يا عواطف مادري و رحم بپيچاي خود بفرزند و هموعان خود بجااست ميکند .

همين رحم و محبت بيجااست كه شجاع را از افراد سلب نموده و هنگاميكه خون شجاعانه در بدن و مردانگي در شريانهاش بچريان ميافتد . لاساى جانسوز ما در آن آهائى جا نگه از بردن و گريه هاى منالو مانه اطرافيان ؛ آنها را به سستی و تقوى ميگشاند ؛ چنانچه هميشه ليكنه هاى رنگينه بر دامنشان مى نشيند .

اگر چنانيكارى بحكم قانون عادلانه بايد نابود شود . بسيارى از مردم خواهان عفو اوهستند زيرا زن و بچه هاى بي سرپرست و گره قاتل و قتل و گنديش اگر سگى و بره سگى خواهند شد ولي فائز ؛ از اينكه اين بتهوى مورد دايين رحم بچها برز رنگرين ستم محسوب ميشود و در شيوه ميزان عيانتكاري و چنانيكارى بها كزيمم ميرسد .

عدالت بجای خون و نیکو کاری بجای خود

بديهي است كه راه خردمندانه اين است كه چنانيكار را بكيف و رسانيد و با زمانه گاش

رحم بچا و دستگیری بمورد نمود .

اساساً در زندگى ، بشر هم ببدالت نياز مند است هم به نيكو كاري ؛ ولي هر كدام از اينها موردى دارد و بايد در مورد خویش بكار برده شود تا سعادت و خوشبختى بشر تا مدين گردد .

قرآن مجيد درباره زن و مردى كه از جاده عفت و پا كدامنى منحرف و بطور نامشروع

بايكديگر هم بستر شده اند ، دستور ميدهد كه پوريك صد تا زيانه بز نند ، سپس ميگويد ؛ بايد

نسبت با آنها رحم و دلسوزى شما را فرانسگيرد . . . و بايد كيفر آنها را جهمى از مؤمنين

مشاهده كنند ؛ ( ۱ ) .

بطور كلي قرآن مجيد همه جا سفارش ميکند كه انسان در موقع اجراء عدالت و بكيفر

رسانيدن متخلفين تحت تاثير هيچ عاملى از قبيل ؛ دوستى ، دشمنى ، عاطفه خویشاوندى قرار

نگيرد ، از اين رو ميگويد ؛ «بئس و كينه نسبت بگروهى شما را به بي عدالتي نگاهند ؛ عدالت

كنيد كه بشئوى و پرهيز كاري نرديكتر است ؛ ( ۲ ) .

هنگاميكه بوح ، براى پسرش وساطت نمود و مسئله خویشاوندى را مطرح كرد ، خداوند

مقال با و باخ داد ؛ «او از خانواده تو نيست ، او صاحب كردارى ناخاسته است ؛ ( ۳ ) بدينترتيب

پسرى در برابر چشمان پدر ، در امواج خروشان آب غرق و با يود گرديد .

در مورد نبرد با كافران به پيمبر اسلام دستور ميدهد ؛ «با كافران و منافقان نبرد كن

و بر آنها سخت بگير ؛ ( ۴ ) .

از اين آيات نتيجه ميگيريم كه ارزش عدالت از هر چيزى بيشتر بوده و آنجا كه بايد

عدالت اجراء شود ، بطور كلي پاى احسان و نيكو كاري درميان نيايد و انسان بايد دجاي

كل ، كل و جاي خار ، خار باشد ، آنجا كه جاي اجراء عدالت است عادل و بي رحم و آنجا

كه جاي نيكو كاري است نيكو كار و مهربان باشد .

۱ - سوره آية ۲ - ۲ .

۲ - سوره آية ۱۶ - ۱۶ .

۳ - سوره آية ۴۸ - ۴۸ .

۴ - سوره آية ۹۹ - ۲۴ .